نگاه

رفتارشناسی ترامپ و جهانی که او می‌خواهد

حسن رنجبر
دکترای حقوق بین‌الملل

بی‌شک می‌توان ادعا کرد دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ بیش از هر دوره دیگری افکار عمومی، دولت‌ها و سیاست‌مداران را بـه خود جلب کرده و سؤالات اساسـی‌ای به وجود آورده است: او چگونه تصمیم می‌گیرد و چگونه رفتار می‌کند؟ مدل حکمرانی و جهان و نظام بین‌الملل مطلوب او چیسـت؟ پاسخ به این سـؤالات نیازمند تحلیل شـخصیت، موضع‌گیری‌هـا اقدامات و اهـداف اعلامی و غیراعلامی او، به‌ویژه در این دوره اسـت. مدل رفتاری دونالد ترامپ را شاید بتوان در یک جمله بیان کرد: حمله مداوم و بی‌وقفه، ادعای پیروزی همیشگی و انکارپذیرش اشتباهات. این سه ویژگی مهم‌ترین شـاخصه‌های رفتاری ترامپ است. از دیگر سو، ترامپ تأکید دارد نشـان دهد تصمیم‌گیری‌های او در مهم‌ترین موضوعات جهانی و ملی، ماحصل ابتکارهای شـخص‌اش اسـت. به عبارت دیگر، ترامـپ خود را هم استراتژیست، هم سیاست‌گذار و هم مجری می‌داند و باور دارد فقط اوست که ناجی و رهبر احیای دوباره آمریکاست.

از دیگـر ویژگی‌های او می‌تـوان به خودبرتربینی آمریکایـی، بی‌توجهی و حتی به‌سخره‌گرفتن پروتکل‌های دیپلماتیک و نزاکت بین‌المللی، بی‌اعتنایی به سازمان‌های بین‌المللی، حقوق بین‌الملل، اهمیت‌ندادن به افکار عمومی، بی‌توجهی و حتی تحقیر سایر ملل و کشورها، رفتارهای قانون‌شکنانه و فریبکارانه و غافلگیرکننده، استفاده‌های مکرر از ابزار دیپلماسـی برای فریب و تحقیر رؤسای دولت‌ها حتی متحدان اروپایی خود اشـاره کرد. همچنین می‌توان بسیاری ویژگی‌های دیگر را به این فهرست افزود. برخلاف تمامی ادوار ریاست‌جمهوری در آمریکا، این ترامپ است که غلبه شخصی بر تصمیمات دولت آمریکا دارد و از معاون اول، وزرا و حتی نظام قضائی اطاعت محض می‌طلبد و هیچ صدای مخالفی را برنمی‌تابد. امروزه دولت در آمریکا عبارت است از شـخص ترامپ و او این را بسیار دوست دارد و بر آن تأکید می‌ورزد. سخنان، رفتارها، ژست‌ها و موضع‌گیری‌های او، خاص خودش است و بیش از هر عاملی متأثر از کیش شخصیتی است که برای خود قائل است. منفعت‌طلبی اقتصادی سیری‌ناپذیر و میل شدید به شهرت جهانی، بخشـی جدایی‌ناپذیر از شخصیت اوست. او خود را ابرمرد می‌دانـد و این باور را می‌توان در حمله‌هـای مداومش به هرکس و هر دولتی که با او مخالف است، دید. از طرفی او همیشه مدعی پیروزی است و همین ویژگی‌هاست که حس خودشـیفتگی، خودبزرگ‌بینی و بی‌رقیب‌بـودن او را ارضا می‌کند. او هیچ شکستی، حتی شکستی فاحش را نمی‌پذیرد. همین ویژگی‌ها کفایت می‌کند تا برای توصیف دقیق‌تر مدل ریاسـت‌جمهوری ترامپ و تأثیرگذاری او بر نظام بین‌الملل از اصطلاح «ترامپیسم» استفاده کنیم. با مفروض‌داشتن همین ویژگی‌هاست که می‌توان به سؤال ابتدایی این نوشتار پاسخ داد. ذکر شاخص‌های رفتاری او نشان می‌دهد مدل حکمرانی و جهان و نظام بین‌المللی‌ای که او به دنبال آن است، کدام است.

ویژگی‌های ترامپیسم

مهم‌ترین ویژگی‌های ترامپیسم در مقام رئیس‌جمهور عبارت‌اند از:

۱. بی‌توجهی و حتی ستیز با نظام برآمده از حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد و نهادهای برآمده از آن و مهم‌ترین آنها سـازمان ملل: سخنرانی ترامپ در هشتادمین مجمع عمومی سـازمان ملل نشـان از بی‌علاقگی به حقوق بین‌الملل و نهادهای برآمده از آن یعنی سـازمان ملل دارد. این موضـوع در تمام رفتارها، موضع‌گیری‌ها و راه‌حل‌های پیشـنهادی او درباره موضوعات جهانی نیز صدق می‌کند. ترامپ خود را برتر از سـازمان ملل می‌داند و عملا برای حقوق بین‌الملل جایگاهی قائل نیست. زمانی که می‌گوید «من هفت جنگ را بدون کوچک‌ترین کمکی از طرف سازمان ملل پایان دادم»، چه برداشـتی می‌توان داشت جز اینکه این شخص خود را حاکم و رهبر جهان معرفی می‌کند و نقش خود را برتر از سـازمان ملل می‌داند. از زمان شـروع دوره دوم ریاسـت‌جمهوری دونالد ترامپ، آمریکا از بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای جهانی بین‌المللی و وابسـته به سازمان ملل متحد خارج شده است. براساس آنچه از عملکرد ترامپ در دوره دوم قابل فهم اسـت، می‌توان ادعا کرد ریاست‌جمهوری ترامپ مهم‌ترین عامل دگرگونی و برهم‌خوردن نظام مسـتقر جهانی اسـت و شاید بتوان ادعا کرد دوران جدیدی در روابط بین‌الملل آغاز شده است. زمامداران آمریکایی قبل از ترامپ، حداقل در لفظ، در مقابله با بحران‌های جهانی و منطقه‌ای سیاسـت خارجی خود را در چارچوب منشـور ملل و سایر کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی توجیه می‌کردند یا حداقل به‌طور صریح و آشکار نقش منشور ملل و سازمان ملل در نظام جهانی را انکار نمی‌کردند.

یادداشت کامل را در سایت بخوانید.

کوباایزاسیون اپوزیسیون: تثبیت یک سیاست کم‌ثمر

منصور صدری‌منش
دانش‌آموخته فلسفه و حقوق از دانشگاه اتاوا

ایران در سـال‌های اخیر شاهد موج‌های پیاپی اعتراض و نارضایتی اجتماعی بوده اسـت؛ رخدادهایی که نشـان می‌دهد جامعه ایران در وضعیت سـکون نیسـت و مطالبات انباشته‌شـده، هرازگاهی به شـکلی انفجاری بروز می‌کنند. این اعتراض‌ها نه از یک مرکز واحد، بلکه از دل شـکاف‌های اقتصادی، نسـلی، فرهنگی و سیاسـی سـر برآورده‌اند. هم‌زمان با این تحولات داخلی، فشارهای خارجی، تنش‌های منطقه‌ای و تشـدید محدودیت‌هـای اقتصادی نیز بر فضای عمومی سـایه افکنده‌اند. در چنین زمینه‌ای، روندی در حال شکل‌گیری است که می‌توان آن را «کوباایزاسیون اپوزیسیون» نامید.

منظور از کوباایزاسـیون، قیاس سـاده ایران با کوبا نیسـت، بلکه اشـاره به الگویی اسـت که در آن سیاسـت به‌تدریج از زمینه اجتماعـی داخل جدا و به عرصه تبعید منتقل می‌شـود. در این وضعیت، اپوزیسـیون خارج از کشور بیش از آنکه بر سـازمان‌یابی درون‌زا در جامعه داخل تکیه کند، در فضای سیاسـی و رسـانه‌ای کشور میزبان تثبیت می‌شود. زبان، اولویت‌ها و حتی تخیل سیاسی آن بیش از آنکه از تجربه زیسـته جامعه داخل تغذیه کند، در بیرون شکل می‌گیرد. سیاسـت به‌جای آنکه حاصل تعاملات اجتماعی و گفت‌وگوهای درونی باشد، به محصول شبکه‌های رسانه‌ای، دیاسپورا و معادلات بین‌المللی بدل می‌شود.

تجربه کوبا نمونه‌ای هشداردهنده از چنین روندی است. پس از انقلاب کوبا، موجی از مهاجرت سیاسی به آمریکا شـکل گرفت و نسل‌های بعدی تبعیدیان در فلوریدا به نیرویی سـازمان‌یافته و اثرگذار در سیاست آمریکا تبدیل شدند. این جریان طی دهه‌ها مواضع رادیکال خود را حفظ کرد و با هرگونه عادی‌سـازی یا نرمش در برابر حکومت کوبا مخالفت کرد. حتی در دوره‌هایی که امکان کاهش تنش فراهم شـد، بخش‌هایی از این اپوزیسـیون از مخالفان جدی آن بودند و از سـخت‌گیرانه‌ترین سیاست‌ها حمایت کردند. سیاسـت کوبایی در تبعید فعال و پرصدا باقی ماند، اما سـاختار قدرت در داخل کوبا تغییر بنیادین نکرد. شـکاف میان داخل و خارج تثبیت شد و سیاست تبعیدی به هویتی پایدار تبدیل شد.

اگر این تجربه را به عنوان یک هشـدار سـاختاری در نظـر بگیریم، می‌توان پرسـید آیا در ایران نیـز خطر انتقال تدریجـی مرکز ثقل سیاسـت از داخل به بیرون وجود دارد؟ نشـانه‌هایی از چنین روندی دیده می‌شـود. انسداد سیاسی داخلی، هزینه‌مندبودن کنشـگری مستقل، مهاجرت گسترده نیروهای اجتماعی و گسـترش رسانه‌های برون‌مرزی موجب شده بخشـی از میدان سیاسی عمدتا در خارج شـکل گیرد. در چنیـن فضایی، تمرکز رهبری در یـک چهره خاص و ادعـای آلترناتیوبـودن، اگـر با پیونـد واقعی بـا جامعه داخل همراه نباشـد، می‌تواند به تثبیت سیاسـت در تبعید بینجامد. مسئله در اینجا شخص یا جریان خاصی نیست، بلکه جابه‌جایی تدریجی سیاسـت از زمینه اجتماعی به فضای برون‌مرزی است.

یکـی از پیامدهای ایـن روند، بحران نمایندگی اسـت. نمایندگی زمانی معنا دارد که میان کنشـگر سیاسی و جامعه‌ای که از آن سخن می‌گوید، پیوندی زنده و دوطرفه برقرار باشـد. اگر این پیوند تضعیف شود، سیاست به بازنمایی نمادین بدل می‌شـود، نه بازتاب واقعی مطالبات اجتماعی. فاصله میان گفتار سیاسی و تجربه زیسـته مردم افزایش می‌یابد و امکان شـکل‌گیری تغییرات تدریجی و درون‌زا کاهش پیدا می‌کند.

در شـرایطی که تنش‌ها به سـطحی بی‌سـابقه رسـیده و حتی سناریوهای درگیری نظامی مطرح می‌شـود، در بخشـی از اپوزیسـیون خارج از کشور، اتکا به فشـار حداکثری و حمایت بازیگران قدرتمند خارجی، از یک ابزار تاکتیکی به مؤلفه‌ای پایدار در روایت سیاسـی تبدیل شده اسـت. در این روایت، تغییر نه از مسیر سازمان‌یابی اجتماعی در داخل، بلکه از مسیر تشدید تقابل و ورود بازیگران قدرتمند خارجی تصور می‌شـود. وقتی چنین اتکایی عادی شود، سیاست کم‌کم از زمینـه اجتماعی فاصله می‌گیـرد و به تصمیم‌ها و موازنه‌هـای بیرونی گره می‌خورد؛ به‌گونه‌ای که تحول سیاسی بیش از آنکه نتیجه کنش درونی جامعه دیده شـود، به نتیجه تصمیم‌ها و موازنه‌هـای بیرونی تقلیل می‌یابد. این همان نقطه‌ای است که سیاست تبعیدی می‌تواند هویتی مستقل از جامعه داخل پیدا و تداوم خود را در استمرار فشار بیرونی تعریف کند.

وقتی منطق فشار بیرونی با منطق سخت‌گیری داخلی هم‌زمان عمل می‌کند، جامعـه در میانه دو جریان قرار می‌گیرد: یکی به نـام امنیت و بقا دامنه کنترل را گسـترش می‌دهد و دیگری به نام تغییر، بر تشدید فشار بیرونی تأکید می‌کند. هر دو برای خود توجیه دارنـد و هر دو خود را ضروری می‌دانند، اما برایند آنها می‌تواند فشرده‌ترشدن زندگی روزمره مردم باشد. در چنین وضعیتی، جامعه نه طراح اصلی این تقابل اسـت و نه الزامـا بهره‌مند آن، بلکه بیش از همه حامل هزینه‌های آن می‌شود.

این هم‌زمانی دو فشار به‌جای آنکه الزاما به تحول سریع منجر شود، می‌تواند به فرسـایش تدریجی اعتماد اجتماعی و افزایش فاصله میان سیاست و زندگی واقعی مردم بینجامد.

خطر کوباایزاسـیون در آن است که میدان سیاسـت به‌تدریج میان دو کانون نسـبتا منفک تقسیم شود: دولتی مسـتقر در داخل که بر ابزارهای سخت تکیه دارد و اپوزیسـیونی در خارج که اتکای فزاینده‌ای به فشـار بیرونی پیدا می‌کند. دراین‌میان جامعه داخل ممکن اسـت از مرکز گفت‌وگو کنار گذاشـته شود؛ نه در روایت رسـمی قدرت بازتاب کامل یابد و نه در سیاستِ شکل‌گرفته در تبعید به‌درسـتی فهم شـود. نتیجه می‌تواند تداوم وضعیتی باشد که در آن سیاست پرصداست، اما تغییر به تعویق می‌افتد.

با این حال، کوباایزاسیون سرنوشت محتوم نیست. این تحلیل نه دفاع از وضع موجود اسـت و نه نفی ضرورت اصلاح و تحـول. هدف، توجه‌دادن به اهمیت بازسازی پیوند میان سیاست و جامعه است. عقل سلیم حکم می‌کند هیچ تغییر پایداری صرفا با فشـار بیرونی شکل نمی‌گیرد و هیچ سیاستی بدون ریشه‌داشتن در واقعیت‌های اجتماعی دوام نمی‌آورد. همان‌گونه که تکیه صرف بر ابزارهای سـخت نمی‌تواند بحران مشـروعیت را حل کند، اتکای افراطـی به بیرون نیز جایگزین سـازمان‌یابی درون‌زا نخواهد شد. هر مسـیر معقولی برای آینده ایران ناگزیر از تقویت گفت‌وگوهای درونی، اعتماد اجتماعی و سازوکارهایی است که از دل جامعه برمی‌خیزند.

پرسش اساسی امروز این است که چگونه می‌توان سیاست را دوباره در متن جامعه مسـتقر کرد؛ به‌گونه‌ای که نه به انکار مطالبات داخلی بینجامد و نه به وابسـتگی افراطی به بیرون. پاسخ به این پرسش بیش از هر چیز در بازگشت به عقلانیت اجتماعی و درک پیچیدگی‌های جامعه ایران نهفته است.

معادن و صنایع معدنی کشور در انتظار یک تصمیم تاریخی

تولید دامپتراک فوق‌سنگین ایرانی مورد حمایت قرار می‌گیرد؟

دریا یزدانی

در شـرایطی که آینده تولید مـواد معدنی در ایران بیـش از هر زمان دیگری به پایداری زنجیره تأمین ماشـین‌آلات فوق‌سـنگین ازجمله دامپتراک‌های بالای ۹۰ تُن وابسـته است، نقش سیاسـت‌گذار در جهت‌دهی به بازار این ماشین‌آلات، تعیین‌کننده‌تر از همیشـه شده اسـت. امروز در مقطعی حسـاس قرار داریم که تصمیم‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت و سـازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) می‌تواند مسـیر صنعت دامپتراک فوق‌سـنگین کشـور را برای دهه‌های آینده مشـخص کند؛ مسـیری که اگر مسـئولان وزارت صمت و ایمیدرو، تدبیر مثبت و سـازنده‌ای بـرای آن اتخاذ کنند، تثبیت‌کننده یک توانمنـدی بومی و راهبردی در معادن و صنایع معدنی کشـور خواهد بود و اگر نسـبت به آن بی‌توجه باشند، وابسـتگی کشور را دچار طول و عمق خسارت‌باری خواهد کرد.

ایمیدرو بر سر دوراهی حمایت هدفمند از تولید داخل یا تکرار چرخه واردات؟

آنچه شرایط تولید دامپتراک‌های فوق‌سنگین در کشور را بیش از هر زمان دیگر مهیا کرده، این اسـت کـه ایمیدرو به عنوان بازوی توسـعه‌ای بخش معدن، نیاز معادن زیرمجموعه خود به حدود ۴۰۰ دسـتگاه دامپتراک ۱۳۶تنی AC را تجمیع کرده اسـت. این حجم تقاضا، یک فرصت تاریخی برای شکل‌گیری صنعت بومی دامپتراک‌های فوق‌سـنگین در کشور محسوب می‌شـود. اما نحوه تعریف این نیاز در قالـب مناقصه بین‌المللی و تعیین حداکثر داخلی‌سـازی ۳۵درصدی آن هم ظـرف پنج سـال (که از پنج درصد در فاز اول آغاز شـده و بـه ۳۵ درصد در فاز نهایی می‌رسـد) بدون هیچ‌گونه الزامی به انتقال فناوری بخش‌های اصلی مثل سیسـتم رانش و کنترل، پرسـش‌های جدی درباره عمق حمایـت از تولید داخل ایجاد کرده اسـت. تجربه صنعتی کشـور نشـان می‌دهد داخلی‌سازی در سطح ۳۰ تا ۴۰ درصد، عمدتا به سـاخت سـازه فلزی و مونتاژ محدود می‌شـود و الزام مؤثری برای انتقال فناوری، بومی‌سـازی سامانه‌های کلیدی یا شکل‌گیری زنجیره تأمین پایدار ایجاد نمی‌کند. در چنین شـرایطی، شـرکت‌های خارجی تولیدکننده دامپتراک‌های مورد نیاز کشـور، می‌توانند با کمترین تعهد فناورانه وارد بازار ایران شـوند و سفارش قابل توجه ۴۰۰دسـتگاهی را بدون زحمت و دردسر از آن خود کننـد و در نهایت محصولی را با حداقل داخلی‌سـازی عرضـه کنند، بدون آنکه انتقال دانش راهبردی به کشـور ما صورت گیرد و دامپتراک فوق‌سنگین ایرانی در کشور بومی‌سازی شود.

الزامات سیاست‌گذاری مسئولانه در تولید دامپتراک

اگر وزارت صمت و به تبع آن ایمیدرو، به عنوان متولی و سیاست‌گذار، به دنبال ایجـاد یک صنعت داخلی واقعـی و پایدار در حوزه دامپتراک‌های فوق‌سـنگین باشند، ابزارهای حمایتی مشخصی در اختیار دارند که باید در سیاست‌گذاری‌های خـود به آن توجه کنند. ایـن ابزارهای حمایتی با توجه بـه فرصتی که اکنون در این حـوزه وجود دارد، عبارت‌انـد از: تخصیص بخش مشـخص و قابل توجه از سـفارش ۴۰۰ دسـتگاه دامپتراک مورد نیاز در معادن بـه تولیدکنندگان داخلی، بازنگری در تعرفه‌های وارداتی ماشـین‌آلات کامل و افزایش تعرفه به نفع تولید داخل، الزام شـرکت‌های خارجی به تشـکیل کنسرسـیوم با سـازندگان داخلی، تعریف برنامه زمان‌بندی‌شـده برای تعمیق داخلی‌سازی، استفاده از قراردادهای بلندمـدت تضمیـن خرید برای کاهش ریسـک سـرمایه‌گذاری و... . بدون چنین مداخلات هدفمندی، فرصت فعلی ممکن اسـت به واردات گسترده منجر شود؛ وارداتـی که هرچند در کوتاه‌مدت نیاز معادن را پاسـخ می‌دهد، اما در بلندمدت تولید در معادن کشور را در برابر تحریم‌ها، تنش‌های ژئوپلیتیکی و نوسانات ارزی آسیب‌پذیر نگه می‌دارد.

چرا تولید دامپتراک در کشور اهمیت دارد؟

در سال‌های اخیر، با توسعه معادن بزرگ مس، سنگ‌آهن و سایر مواد معدنی، نیاز به دامپتراک‌های بالای صد تن به‌شـدت افزایش یافته اسـت. این ماشین‌آلات نقشـی کلیدی در جابه‌جایی مواد معدنی ایفا می‌کنند و هرگونه اختلال در تأمین یا نگهداری آنها می‌توانـد زنجیره تولید را با وقفه‌های پرهزینه مواجه کند. این در حالی اسـت که اکنون تولید دامپتراک‌های بالای صد تن در انحصار شـرکت‌های خارجی بوده و بازار داخلی وابسته به واردات از سازندگان آسیای میانه (بلاروس) و شـرق آسیاست. اشـاره به این نکته ضروری اسـت که با بروز اختلال در برخی زنجیره‌هـای تأمین بین‌المللی، به‌ویژه پس از جنگ روسـیه و اوکراین، وابسـتگی حوزه معادن کشـور در حوزه دامپتراک‌های فوق‌سـنگین به یک یا دو تأمین‌کننده خارجی به چالشـی عملیاتی برای برخی معادن تبدیل شـده است. همین مسئله ضرورت ورود صنعت داخلی به این حوزه را برجسته‌تر کرده است.

تصمیمی که آینده صنعت دامپتراک را رقم می‌زند

کوتاه سخن اینکه پروژه دامپتراک فوق‌سـنگین ایرانی را نباید به چشم ساخت یـک خـودروی معدنی نگریسـت. این موقعیـت درواقع فرصتـی تاریخی برای ایجـاد یک توانمندی راهبردی در صنعت معدن کشـور اسـت. فرصت‌اندیشـی یا فرصت‌سـوزی در چنین موقعیتی بیش از هر چیز به جهت‌گیری سیاسـت‌گذار وابسـته است. اگر وزارت صمت و ایمیدرو با ابزارهای سیاستی مؤثر از تولید داخل حمایت کنند، کشور ما می‌تواند با استفاده از توانمندی متخصصان داخلی، در یک بازه زمانی معقول به دانش طراحی و سـاخت دامپتراک‌های فوق‌سـنگین دست یابـد و وابسـتگی معادن ایران به تجهیـزات وارداتی را کاهش دهـد؛ در غیر این صورت، فرصت کم‌نظیر فعلی ممکن اسـت به واردات گسترده ختم شود و شاهد وارداتی باشـیم که شـاید نیاز کوتاه‌مدت و امروز ما را برطـرف کند، اما توانمندی فردای صنعت معدن ایران را تضعیف خواهد کرد.

جدول ۵۲۷۰ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- خیزبرداشـتن- بسـندگی- سـگ شـکاری ۲- مقـدور و ممکـن- خوبی‌ها و نیکی‌ها- سـنگین ۳- بداخلاق- هنر بوم و رنگ- جوی خون ۴- نازل‌شده در مکه- پاکان- شهادت ۵- انتشاریافته- پنهان‌کردن ۶- حرف دهن‌کجی- از پیامبران بنی‌اسرائیل- از املاح معدنی مهـم برای بدن ۷- پارچـه کم‌عرض تزیینی پرده- سـاز بادی بلوچستان- سـازمان همکاری‌های اقتصادی ۸- پوسـیده و فرسوده- از نیروهای سه‌گانه ارتش- دارایی و ثروت ۹- معدن- غفران- معین‌کردن ۱۰- لکـه کثیـف- انیمیشـن نوسـتالژیک آمریکایی که قهرمـان آن یـک ربات بـود- گروه هم‌سـرایان ۱۱- طبیعـت- کاخ تاریخـی لویـی چهاردهـم ۱۲- پیوسـته- شـهری در جنوب آلمان- برجستگی رو بـه بیـرون ۱۳- چیـز- منطقـه خوش‌آب‌وهوای تابسـتانی- هدایت‌کـردن ۱۴- منت‌گذارنـده- مجموعه‌داستانی نوشته رومن گاری- وابسته، مربوط ۱۵- ابزار لحیم‌کاری- بلندترین قله اسـتان بوشهر- پذیرش مسئولیت

عمودی:

۱- شهرسـتانی در استان بوشـهر- از باشگاه‌های فوتبال اسـپانیا- پوسـت خـام دباغی‌نشـده ۲- آواز مجالـس مذهبی در بلوچسـتان- مهاجـم تیم ملی فوتبال اسـپانیا- داسـتانی بلند از هاروکی موراکامی، نویسنده ژاپنی ۳- چشمه‌ای در بهشت- سیستم‌عاملی در کامپیوتر- حرف ندا ۴- تنه درخت- غلاف شمشیر- قدیمی ۵- کدبانو- پلیس مبارزه با سارقان و تبهکاران ۶- دوره‌ای در آغـاز خدمـت سـربازی- اشـاره بـه نزدیک- ناموارہ ۷- حشـره‌ای خونخوار- راهرو باریک و دراز- کتاب ابن‌بابویه ۸- درنگ- وسـایل مورد نیاز- متانت ۹- از نام‌های قرآن- فشـار به جایـی از بدن با دو انگشت شست و سبابه- صدای کلفت ۱۰- لیکن- کثیف و نامرتب- نژاد ایرانی ۱۱- تعجب و حیرت- اسـتهزا ۱۲- از شرکت‌های خودروسـاز ژاپنی- مفهوم- واحد اندازه‌گیری شـدت نـور ۱۳- طمـع- از علـوم تحصیلـی- بی‌نظیر ۱۴- دانه معطر ضد نفخ- یکی پس از دیگری- بسیار مهربان ۱۵- جدید- فیلمی موزیکال و عاشـقانه به کارگردانی باز لورمن و نقش‌آفرینی نیکول کیدمن- سوره بیستم قرآن

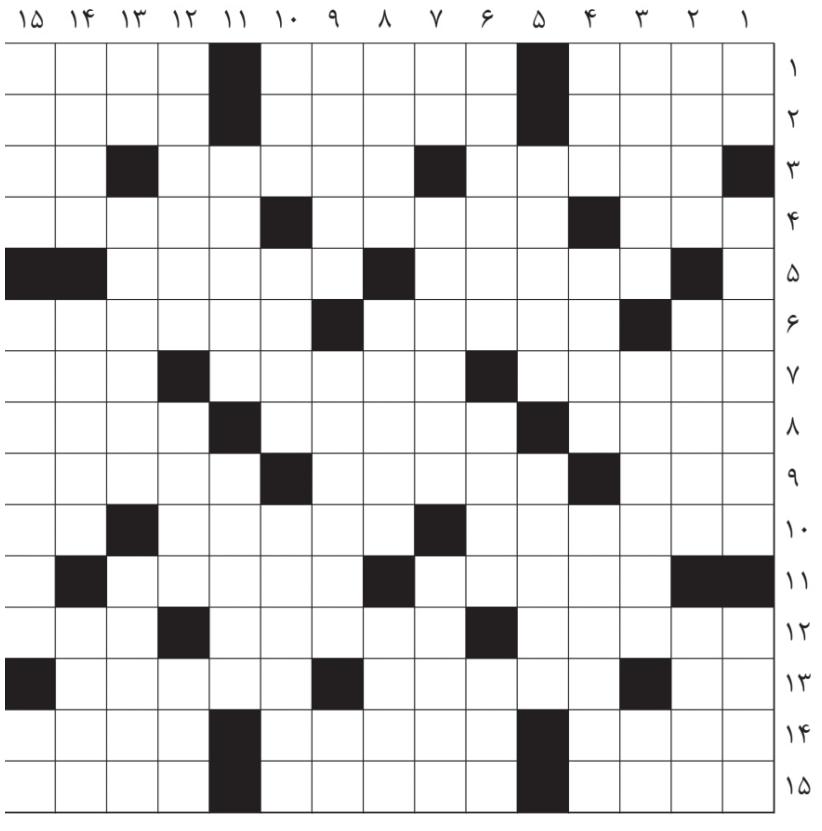

حل سودوکو ۴۲۶۵

۳	۹	۶	۵	۸	۷	۴	۲	۱
۱	۵	۷	۴	۲	۳	۹	۸	۶
۲	۸	۴	۶	۹	۱	۳	۷	۵
۶	۴	۲	۱	۳	۵	۷	۹	۸
۷	۱	۸	۹	۶	۴	۲	۵	۳
۵	۳	۹	۲	۷	۸	۶	۱	۴
۸	۶	۳	۷	۵	۹	۱	۴	۲
۴	۷	۵	۳	۱	۲	۸	۶	۹
۹	۲	۱	۸	۴	۶	۵	۳	۷

۷	۸	۹	۴	۱	۲	۶	۵	۳
۶	۴	۱	۵	۳	۷	۸	۲	۹
۳	۲	۵	۸	۶	۹	۴	۱	۷
۴	۱	۷	۶	۵	۳	۲	۹	۸
۲	۶	۳	۱	۹	۸	۵	۷	۴
۵	۹	۸	۲	۷	۴	۳	۶	۱
۱	۳	۲	۷	۸	۶	۹	۴	۵
۸	۵	۶	۹	۴	۱	۷	۳	۲
۹	۷	۴	۳	۲	۵	۱	۸	۶

حل جدول ۵۲۶۹

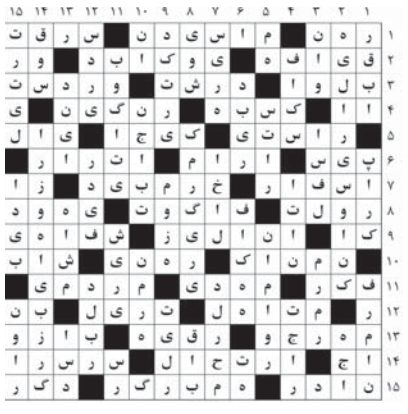

سودوکو سخت ۴۲۶۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۴		۱			۲	۸		
		۸	۹	۴				
	۷							۵
					۶	۳		۷
	۳			۵			۴	
۶		۵	۴					
۸							۳	
				۲	۴	۵		
		۷	۳			۶		۸

سودوکو ساده ۴۲۶۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

						۲		
							۳	۹
۷				۲	۸	۵	۶	۱
	۵	۸	۱				۴	۳
		۹	۲		۴	۶		
۴	۷				۳	۱	۸	
۹	۶	۵	۳	۱				۴
۱	۴							
		۳						